

قصه‌ی محبت را بر سنگ بنویس!

۳۶ فعالیت نگارشی برای تقویت انشانویسی
در دوره‌ی دوم ابتدایی

این بخش از مقاله‌های فعالیت نگارشی برای تقویت انشا به داستان‌نویسی و ظرفیت‌های آن در تقویت انشا و نویسندگی اشاره می‌کند. آموزگاران گرامی می‌توانند با مطالعه‌ی این موارد در نگارش خود و دانش‌آموزان تنوع ایجاد کنند.

کلیدواژه‌ها: انشا، خلاقیت، اجزای داستان



دارد؛ گاهی هم بیشتر. داستان در یک زمان و یک مکان اتفاق می‌افتد؛ پس داستان **زمان** و **مکان** دارد. اگر داستان بخواند جلب توجه کند، حتماً یک **گره** دارد. نویسنده دنبال این است که گره داستان را برطرف کند. به آنان بگوییم، داستان‌هایی که گره واقعی‌تر دارند و نویسنده بیشتر تلاش می‌کند تا این گره را باز کند، خواندنی‌تر می‌شوند. وقتی شخصیت‌ها در زمان و مکانی به دنبال حل گره و مسائل زندگی خود هستند، وقایعی اتفاق می‌افتد و **کشمکش** آغاز می‌شود. گاهی **حادثه** پشت حادثه روی می‌دهد و همین داستان را پیش می‌برد تا به نحوی گره داستان حل شود.

پس فعلاً بچه‌ها را با شخصیت، زمان و مکان، گره، کشمکش و حادثه آشنا کرده‌ایم. بعدها بیشتر در این زمینه خواهند آموخت. می‌توانیم این مثال ساده را برایشان بخوانیم و از آنان بخواهیم ادامه‌ی داستان را بنویسند:

«**سارا** و **سمانه** خواهران دوقلویی هستند که پدر و مادرشان خیلی آن‌ها را دوست دارند. بچه‌ها آن قدر با هم دوست هستند که حاضر نیستند برای یک ساعت هم از هم دور باشند. در کلاس سوم، پدر و مادر این دو مجبور می‌شوند به خاطر شغلشان برای مدت کوتاهی از هم دور شوند. قرار می‌شود یکی از بچه‌ها نزد مادر بماند و دیگری نزد پدر...»

برای فعال شدن همه‌ی بچه‌ها در داستان‌نویسی، مطلب زیر را برای آنان بخوانیم:

دو دوست با پای پیاده در بیابان از جاده‌ای عبور می‌کردند. بین راه سر موضوعی اختلاف پیدا کردند و به مشاجره پرداختند.

داستان‌نویسی

امیدواریم فعالیت‌هایی که در سه شماره‌ی قبل نشریه پیشنهاد کردیم، برای فعال کردن کلاس نگارش مفید بوده باشند. در این شماره به داستان‌گویی و داستان‌نویسی در زنگ نگارش اشاره می‌کنیم که در کتاب درسی نیز به صورت مختصر به آن اشاره شده است. استفاده از این ظرفیت کمک می‌کند زنگ انشای پویایی داشته باشیم و بچه‌هایی را که توانایی بیشتری در نویسندگی دارند، شناسایی و تشویق کنیم.

ظرفیت داستان‌نویسی

به دلیل اینکه بچه‌ها داستان‌های زیادی شنیده‌اند و نوشته‌اند، این تمرین‌ها برایشان بسیار جذاب است. آنان به راحتی واقعه‌ای را به داستان تبدیل می‌کنند و دوست دارند با انرژی آن را برای هم کلاسی‌های خود تعریف کنند. اساساً ما و بچه‌ها به شنیدن داستان از زبان دیگران علاقه‌مند هستیم. وقتی کسی سرگذشتش را در قالب داستان برای ما تعریف می‌کند، سراپا گوش می‌شویم تا ببینیم چه اتفاقی می‌افتد. از این رو، معلم برای استفاده از این ظرفیت مشکل خاصی ندارد و فقط باید سوژه‌های درخوری به کمک بچه‌ها شناسایی کند.

اجزای داستان

خوب است بچه‌ها در آغاز با اجزای داستان آشنا شوند. آنان بخشی از این اجزا را در داستان‌های ساده‌ای که می‌خوانند، رعایت می‌کنند. به آنان بگوییم هر داستان یک یا دو **شخصیت**



آب بیفتند و نجات یابد. باید مطابق مکان جدید حوادث جدید آفرید.

۱۶. نفر سومی را وارد ماجرا کنند و حالا داستان را ادامه دهند تا ببینند چه می‌شود. این فرد سوم می‌تواند دوست یا پدر و مادر یکی از این دو یا ... باشد.

۱۷. داستان را طوری پیش ببرند که با قهر نفر سیلی خورده ادامه پیدا کند. مثلاً او قهر کند و مسیروش را عوض کند. یا وسایل رفیقتش را پس بدهد و بگوید از اینجا به بعد تنها می‌رود. بعد هم در مسیر برایش اتفاقی بیفتد و دوباره برگردد؛ منتها برای همراهی شرط بگذارد.

۱۸. آنجا که فرد به برکه می‌افتد، پایش را به یک تنه‌ی درخت گیر بدهند و او را تا سر حد خفه شدن و بلکه خفگی کامل پیش ببرند و ببینند داستان چه‌طور می‌شود.

۱۹. پنج نام برای این داستان پیشنهاد دهند.

۲۰. داستان را از زبان خودشان (اول شخص) بنویسند: من و دوستم از بیابانی یا خیابانی یا شهری یا کشوری عبور می‌کردیم و ...

۲۱. چون این شخصیت‌ها هیچ «بعد»ی ندارند و خیلی «تخت» هستند، یعنی نویسنده هیچ جزئیاتی درباره‌شان ننوشته است، نمی‌دانیم که هستند؟ از کجا آمده‌اند؟ کجا می‌روند؟ و چند سال است با هم دوست هستند؟ بنابراین بچه‌ها در بازنویسی جدید برای آن‌ها شغل، خانواده، سن و سال، مکان مشخص، تحصیلات، علاقه و ... در نظر بگیرند. بگویند روحیه‌شان چیست؟

۲۲. همین‌طور، برای اینکه اولی در گوش دومی می‌زند، دلیل بیاورند. او چه حرفی زده که نفر مقابل این عکس‌العمل را داشته است؟ و آیا سابقه داشته است؟ می‌توانند یکی دو جلد دیگر از این دو شخصیت را هم نشان دهند.

هدف‌های تمرین داستان‌نویسی

۱. آشنا شدن بچه‌ها با برخی عناصر داستان.
۲. تقویت درک مطلب. دقت بیشتر در داستانی که می‌خوانند یا می‌نویسند.

۳. پرورش خلاقیت داستان‌نویسی. اینکه دریابند می‌توان تغییرات بسیاری در یک داستان داد و با هر تغییری مسیر داستان عوض می‌شود.

۴. لذت کشف کردن. چون نمی‌دانند بعد چه می‌شود و به مرور آن را کشف می‌کنند، به لذتی وصف ناشدنی دست می‌یابند.

۵. درک بیشتر و بهتر از زندگی. در می‌یابند گره‌های زندگی مثل گره‌های داستان بازشدنی هستند. باید برای گشودن این گره‌ها از عقل، فکر، احساس و مشورت بهره گرفت.

یکی از آن‌ها از سر خشم بر چهره‌ی دیگری سیلی زد. دوستی که سیلی خورده بود، سخت آزرده شد، ولی بدون آنکه چیزی بگوید، روی شن‌های بیابان نوشت: امروز دوست من بر چهره‌ام سیلی زد.

آن دو کنار یکدیگر به راه خود ادامه دادند تا به یک آبادی رسیدند. تصمیم گرفتند قدری آنجا بمانند و کنار برکه‌ی آب استراحت کنند. ناگهان شخصی که سیلی خورده بود، لغزید و در برکه افتاد. نزدیک بود غرق شود که دوستش به کمکش شتافت و او را نجات داد. بعد از آنکه از غرق شدن نجات یافت، روی صخره‌ای سنگی این جمله را حک کرد: «امروز بهترین دوستم جان مرا نجات داد.»

دوستش با تعجب از او پرسید: «بعد از آنکه من با سیلی تو را آزرده‌ام، تو آن جمله را روی شن‌های صحرا نوشتی، ولی حالا این جمله را روی صخره حک می‌کنی؟»

دیگری لبخند زد و گفت: «وقتی کسی ما را آزار می‌دهد، باید روی شن‌های صحرا بنویسیم تا بادهای بخشش آن را پاک کنند، ولی وقتی کسی محبتی در حق ما می‌کند، باید آن را روی سنگ حک کنیم تا هیچ بادی نتواند آن را از یادها ببرد.»
خاطرتان باشد، در شماره‌های قبل مجله، ۱۳ فعالیت نگارشی پیشنهاد دادیم. اینک ادامه‌ی فعالیت‌ها. بچه‌ها می‌توانند:

۱۴. عناصر این داستان را مشخص کنند (شخصیت، زمان و مکان، گره، حادثه).

۱۵. مکان داستان را به ترمینال شهر ببرند و حوادثی جدید برای آن پیش‌بینی کنند. اینجا دیگر برکه نیست که یکی در